

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نگاهی دوباره به بیانیه ی گام دوم انقلاب با سرمایه گذاری صندوق توسعه ملی در حوزه تربیت متعاطیان حکمرانی اسلامی به عنوان اصلی ترین سرمایه ی آینده ی جمهوری اسلامی ایران

امیرحسین گازر دکترای علوم قرآن و حدیث؛ پژوهشگر مرکز علم و فناوری اسلامی دانشگاه امام حسین (علیه السلام)

چکیده:

بیانیه گام دوم انقلاب با محوریت معنویت، از محدود بیانیه های انقلابی و سیاسی در جهان است. این بیانیه در چهل سالگی انقلاب خطاب به جوانان صادر شده است. در واقع این بیانیه دورنمایی از هویت انقلاب اسلامی را همراه با چشم انداز و افق های پیش رو را ترسیم می کند. خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی جهت دهی های این بیانیه است که باید در این رابطه عموماً توسط جوانان ایده پردازی صورت گیرد؛ از طرفی بر اساس اندیشه امامین انقلاب اسلامی تحقق دولت اسلامی شرط لازم رسیدن به تمدن اسلامی است و روشن است که رکن اصلی حکومت اسلامی؛ متعاطیان حکمرانی و مدیران حکومت هستند به این معنا که تا شرایط برای تربیت حکمرانان و مدیران در جامعه ی اسلامی مهیا نشود حکومت اسلامی ایجاد نخواهد شد؛ همانطور که در فلسفه ی شکل گیری صندوق توسعه ملی آمده است؛ این صندوق با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده های نفتی به ثروت های ماندگار، مولد و سرمایه های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده های نفتی تشکیل شده است؛ و روشن است که مهم ترین ثروت و سرمایه ی هر کشوری نیروی انسانی آن کشور است بنابراین شایسته است که صندوق توسعه ملی تقویت مراکزی که به تربیت حکمرانان آینده ی انقلاب می پردازند را به عنوان سرمایه ای مولد و ماندگار در اولویت خود قرار دهد؛ در این نوشتار در صددیم که از با محوریت بعد معنویت و اخلاق بیانیه گام دوم انقلاب شاخصه های کلی تربیت متعاطیان حکمرانی را تبیین نماییم.

کلیدواژگان: گام دوم انقلاب، تربیت، حکمرانی، صندوق توسعه

مقدمه:

همزمان به آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی ایران، رهبر انقلاب در بیانیه ای که مخاطب اصلی آن جوانان بودند، به تبیین نقشه راه و آینده نظام اسلامی پرداختند. معظم له در این بیانیه در هفت راهبرد «علم و پژوهش»،

«معنویت و اخلاق»، «خودکفایی اقتصادی»، «عدالت و مبارزه با فساد»، «استقلال و آزادی»، «عزت ملی، روابط خارجی، مرز بندی با دشمن» و «سبک زندگی» را مطرح ساختند. یکی از موارد مطرح شده موضوع «معنویت و اخلاق» است که این مهم در تمام سطوح جامعه با تکیه بر تهذیب نفس و تمرین فضائل اخلاقی حاصل می شود. امری که در دنیای غرب در سایه سلطه نظام های کاپیتالیسم غربی و سوسیالیسم شرقی که متکی بر لذت طلبی و شهوت گرایی است، مورد غفلت و فراموشی قرار گرفته است. رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم درباره نقش معنویت در پویایی و پیشرفت جامعه و به تبع نقش آن در تمدن سازی می فرمایند: «معنویت به معنای برجسته کردن ارزش های معنوی از قبیل، اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود جامعه است و اخلاق به معنای رعایت فضیلت های چون خیرخواهی، گذشت، شجاعت، تواضع اعتماد به نفس و خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت ها و فعالیت فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است، بودن آن ها محیط زندگی راحتی با کمبودهای مادی بهشت می سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می آفریند». یکی از شاخص هایی که رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم به عنوان راهبرد و سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران مطرح فرمودند، مقوله «معنویت» است. حقیقت این است که معنویت، گمشده قرن حاضر است و جامعه صنعتی زده و تکنولوژیکال بشری در قرون اخیر بیش از گذشته به جای پرداختن به این نیاز مهم بشری، به اهداف پیشرفت اقتصادی و تکنولوژی پرداخته است. رهبری معظم انقلاب، در بیانیه گام دوم به درستی به این ضرورت که نیاز بشر امروز است پرداخته اند و انقلاب اسلامی را احیاگر معنویت در دنیای نوین معرفی کرده اند.

همانطور که در فلسفه ی شکل گیری صندوق توسعه ملی آمده است؛ این صندوق با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده های نفتی به ثروت های ماندگار، مولد و سرمایه های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده های نفتی تشکیل می شود.

روش پژوهش:

این پژوهش کیفی است و از رویکرد اجتهادی در آن استفاده شده است؛ روش تحقیق نیز در این نوشتار روش تحلیل مضمون است به این صورت که با استفاده از روش کتابخانه ای و با محوریت بیانیه گام دوم انقلاب به جمع آوری و توصیف و تبیین شاخصه های کلی اخلاقی از منظر آثار امام خمینی (ره) و مقام معظم

رهبری (حفظه الله) در ساحت تربیت اخلاقی برای تغییر در جامعه ی اسلامی با افق تمدن اسلامی پرداخته شده است.

مبانی نظری پژوهش:

تربیت اخلاقی:

تربیت اخلاقی، فرایند درونی سازی ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان با محوریت ویژگی‌های انسان کامل است که در این فرایند به قدر سعه ی وجودی هر فرد او را به ویژگی‌های انسان کامل نزدیکتر میکند. تربیت اخلاقی مسیر گذار از وضعیت موجود به سوی قله کمال را بازمی‌نماید و آدمی را چونان راه می‌برد تا سیمای آرمانی انسان اخلاقی را در لوح وجود خویش نقش کند. تربیت اخلاقی تحقق عینی همه آموزه‌هایی است که دانش اخلاق بدان فرامی‌خواند. می‌توان گفت که اخلاق مقاصد و غایات حرکت انسان را بازمی‌نماید در حالی که تربیت اخلاقی احکام جریان و قواعد حرکت انسان بدان سو را بازمی‌نماید. به تعبیر دیگر اخلاق پرسش از ماهیت ارزش‌ها، و تربیت پرسش از کیفیت دست‌یابی بدان را پاسخ می‌گوید.

سرشت انسانی:

یکی از مفاهیم مهمی که در علم اخلاق مطرح است و امام خمینی (ره) در آثار خود به آن می‌پردازد؛ بحث سرشت انسان و طبیعت اوست. در قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَلَّهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (سوره شمس؛ آیه ۸) پس پلیدی‌ها و پاکی‌هایش را به او الهام کرد. با توجه به این آیه ی شریفه فهم و درک خوبیها و بدیها به صورت فطری، در عمق روح انسانها نهاده شده است و ابتدا باید پلیدی‌ها را بشناسیم، سپس راه گریز و پرهیز از آنها را چراکه کلمه «فجور» قبل از «تقوا» آمده است.

در مکاتب مختلف تعاریف متنوعی از طبیعت انسان ارائه گردیده است؛ در اسلام از یک سو بر فطرت و سرشت واحد انسان‌ها تأکید می‌شود و از سوی دیگر اسلام همان‌طور که نگاهی مثبت به جهان دارد (به معنای غلبه و ستیزه‌نیروی خیر بر شر در عالم) نهاد اولیه ی بشر را نیز تحت تأثیر ظرفیت‌های سنخیت و گرایش به خیر و در نتیجه مثبت ارزیابی می‌کند.

روح انسان جوهری ملکوتی است که در حاجات خود بدن و جسم را به کار می‌گیرد و تعبیری چون عقل، جان، نفس و قلب که گاهی برای انسان به کار می‌رود با عبارات مختلف همه نام‌های همین روح است. بر

اساس کتب اخلاقی نفس انسانی دارای قوایی است که هر کدام از این قوا نقش تعیین کننده در فعل اخلاقی دارند.

قوه عقلانی: که آن را فرشته صفت می دانند؛ کارکرد نیروی عقلانی (قوه عاقله) ادراک حقایق امور و تشخیص خیر و شر است. قوه عاقله به دنبال آن است که اعتدال در مملکت جان پدید آورد و هر یک از قوا را از سرکشی و مرزشکنی بازدارد. نیروی غضب را بر شهوت مسلط کند و حدت و شدت آن را بشکند و مکر شیطانی را با بصیرت نافذ و نورانیت روشن بین خود کشف و رد کند.

قوه غضب (دفع): که آن را درنده خو می شناسند؛ نیروی خشم یا قوه غضبیه که آن را نفس سبعی گویند، موجب صدور افعال درندگان از قبیل کینه و دشمنی و آزار است. البته قوه غضبیه علاوه بر رفع مضار و دفع موانع از مسیر زندگی و بالندگی انسان می تواند حدت و تندگی قوه شهویه را بشکند و هنگامی که شهوت بخواهد از مسیر اعتدال خود خارج شود آن را تحت قهر و غلبه خود درآورد.

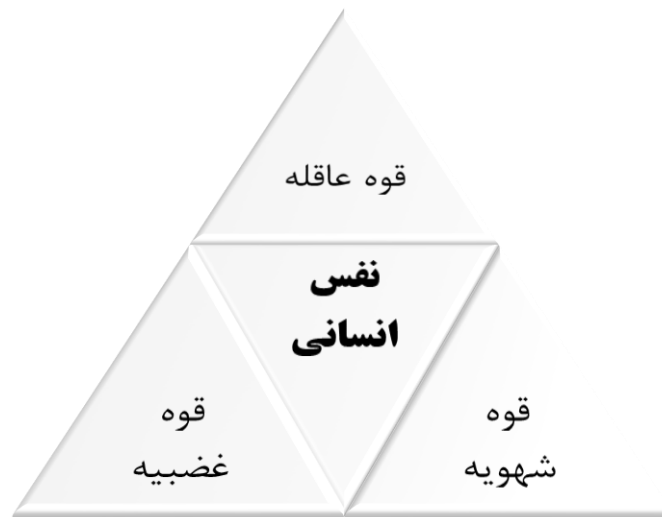
قوه شهوت (جذب): که آن را نیرویی حیوانی می شمارند؛ نیروی شهوت یا قوه شهویه که آن را نفس بهیمی گویند، مبدأ و منشأ خواسته ها و جلب منافع و امور لذت بخش است. از نیروی شهوت جز کارهای حیوانی مانند شکم پرستی و ارضای جنسی بر نمی آید. فایده قوه شهویه حفظ و ادامه حیات فردی و نوعی انسان است.

لازم به ذکر است که این قوا به حسب سنین عمر دچار تغییراتی می شوند، و هرچه انسان رشد طبیعی کند، این قوا در او کامل تر می گردد. حکمای مسلمان معتقدند همان گونه که در فرایند رشد طبیعی انسان قوه شهویه پیش از قوه غضبیه و قوه غضبیه پیش از قوه عاقله فعال می شود در مقام تربیت نیز باید تربیت قوه شهویه را بر قوه غضبیه و قوه غضبیه را بر قوه عاقله مقدم داشت.

فضایل و رذایل اخلاقی نیز در ذیل این قوا تعریف می شوند؛ حکمت عبارت است از اعتدال قوه نظریه و تهذیب آن، شجاعت عبارت است از اعتدال قوه غضبیه و تهذیب آن، و عفت عبارت است از اعتدال و تهذیب قوه شهویه. خروج هر یک از قوا از اعتدال، میل آن به حالت افراط یا تفریط است که رذایل اخلاقی را شامل می شود. (نوری؛ فلاح ۱۳۸۷ شماره ۲۳۹)

در تأیید مطلب بالا روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل می کنیم؛ عبدالله بن سنان از اصحاب امام صادق (علیه السلام) نقل می کند: من از حضرت سؤال کردم که ملائکه افضل و بالاترند یا بنی آدم؟ پس حضرت علیه

السلام فرمودند: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) فرمودند به راستی که خداوند عزوجل در وجود ملائکه عقل را آمیخت، بدون آن که شهوت برایشان قرار دهد و در وجود حیوانات شهوت را در آمیخت بدون آن که عقل برایشان قرار دهد. ولی در بنی آدم هر دو آنها را درهم آمیخت. پس هر انسانی که عقل او بر شهوتش غلبه کند او بهتر از ملائکه است. و هر انسانی که شهوت او بر عقل او غلبه نماید او از حیوان پست تر و شرتر است. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱ ص ۱۰)



تغییر در صفات انسانی:

انسان در بدو خلقتش خالی از هر نحو کمال و جمال و نور و بهجت است چنانچه خالی از مقابلات آن نیز هست گویی صفحه ای است خالی از مطلق نقوش نه دارای کمالات روحانی و نه متصف به اضداد آن است ولی نور استعداد و لیاقت برای حصول هر شعاعی در او به ودیعه گذاشته شده است و فطرت او بر استعداد و خمیره او مخمر به انوار ذاتیه است و چون ارتکاب معاصی می کند به واسطه آن کدورتی حاصل شود.

خداوند متعال برای اینکه آدمیان به غایت مطلوب خود برسند سراسر گیتی را مسخر او گردانیده است و مسئولیت کارهای ارادی اش را بر عهده او نهاده است تا رفتار او بر اساس گزینش خود و از روی آگاهی و قدرت و اراده و تصمیم او واقع شود و مفاهیمی چون سرنوشت یا تقدیر به معنای سلب اختیار آدمی نیست بنابراین آنچه در عالم طبیعت به وجود می آید که با مزاج آدمیان ناسازگار است مضافاً بر اینکه باعث شکوفایی

استعدادها و بیداری از غفلت هاست اثر اعمال آدمیان است که بر اساس اختیار و اراده و قانون عمومی علیت، از گزینش نادرست سرچشمه گرفته است. زیرا بر اساس حکمت خداوندی، هرچیزی در جای مناسب خود قرار می گیرد و هر موجودی به اندازه ظرفیتی که دارد افاضه فیض می شود جمیع ملکات و اخلاق نفسانی تا نفس در این عالم در حال حرکت و تغییر است و در تحت تصرفات زمان و تجدد واقع است و دارای هیولا و قوه است قابل تغییر است و انسان می تواند جمیع اخلاق خود را متبدل به مقابلات آنها کند. (امام خمینی، ۱۳۷۱ش، ص ۱۷۸)

ما می بینیم که بعضی از آدمیان طبیعتشان به گونه ای است که زود خشمگین می شوند و برخی به خلاف آن هستند. اما معنی این سخن این نیست که صفات رذیله قابل تغییر نمی باشد، بلکه آدمی با سعی و کوشش می تواند رذایل را برطرف سازد و فضایل را کسب نماید. بنابراین خلقیات قابل تغییر است و حتی صفات اخلاقی که از طریق وراثت پدید آمده است نیز قابل زایل شدن است.

صفات و ملکات آدمی تا انسان در تحت تصرف زمان است قابل تغییر است و می تواند با حرکت تکاملی اختیاری رذیله را تبدیل به مقابلات نماید. بر اساس این برهان (برهان حرکت جوهری) هم روح و هم جسم انسان قابل تغییر است تا چه رسد به صفات نفسانی که زائیده آن است. هر عمل خوب یا بد اثر خود را در نفس باقی می گذارد و با تکرار آن تدریجاً آن اثر قوی تر می شود تا اینکه به صورت ملکه در می آید همانطوری که ملکات اخلاقی در سایه تکرار عمل تشکیل می گردد از همین طریق نیز قابل زوال خواهد بود. بنابراین چون انسان موجودی است متغیر به همین جهت هم استعداد ترقی و تکامل را دارد و هم استعداد انحراف و سقوط را، هم ممکن است به واسطه استعداد عقلانی و معنوی خود به مقامات انسانی صعود نماید و هم ممکن است بر اثر خودخواهی از جاده ترقی منحرف گردد و به پایین سقوط کند.

از طرف دیگر هدف از بعثت انبیاء و وظایفی که برای پیامبران معین شده است دلیل دیگری بر تکامل اختیاری انسان و تغییرپذیری خلق آدمیان است؛ رسالت انبیاء در تزکیه و تعلیم و برداشتن غل و زنجیرو بیرون آوردن آدمیان از ظلمات به سوی نور و قیام نمودن به قسط مؤید این مطلب است که صفات و ملکات آدمی قابل تغییر است؛ چراکه اگر اخلاق آدمیان قابل تغییر نبود هدف از ارسال پیامبران و انزال کتب بیهوده بود. اگر اخلاق آدمیان ذاتی بود باید عقول را تعطیل بدانیم و تعلیم و تربیت را بی اثر پنداریم و مواعظ و تأدیب را بی فایده بدانیم؛ در صورتیکه واضح است که چنین نیست. (نراقی، ۱۳۹۴، جلد ۱ صفحه ۱۰۹)

اخلاق حکمرانی از منظر مقام معظم رهبری (حفظه الله):

رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) در دیدارهای متعددی که با اقشار مختلف جامعه داشته اند بارها و بارها بر اهمیت و ضرورت اخلاق تأکید کرده اند؛ ایشان در یکی از این دیدارها می فرمایند:

یک سرفصل عبارت است از تکمیل مکارم اخلاقی: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ جامعه بدون برخورداری افراد از خلیات نیکو، نمیتواند به هدفهای والای بعثت پیامبر دست پیدا کند. آنچه فرد و جامعه را به مقامات عالی انسانی میرساند، اخلاق نیکوست؛ اخلاق نیکو هم فقط خوش اخلاقی با مردم نیست؛ بلکه به معنای پروراندن صفات نیکو و خلیات فاضله در دل و جان خود و انعکاس آنها در عمل خود است..... برای اینکه در جامعه اخلاق استقرار پیدا کند، دو چیز لازم داریم: یکی تمرین و مجاهدت خود ماست و یکی هم آموزش های اخلاقی که به وسیلهی آموزش و پرورش، مراکز تربیتی و مراکز آموزشی و علمی باید در همه ی سطوح به انسانها تعلیم داده شود. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار بسیجیان ۱۳۸۵/۱/۶)

بر این اساس ما دو وظیفه داریم یکی تلاش برای تربیت اخلاقی خود و دیگری تلاش برای تعالی جامعه؛ ایشان در جای دیگری تخلق به اخلاق الهی را هدف اصلی و کارهای دیگر را مقدمه برای آن میدانند و چنین میفرمایند: فایده اساسی و هدف اصلی این است که انسان ها متخلق به اخلاق الله بشوند. تخلق به اخلاق الله مقدمه برای کار دیگر نیست، کارهای دیگر، مقدمه برای تخلق به اخلاق الله است. عدل مقدمه تخلق به اخلاق الله و نورانی شدن انسانهاست. حکومت اسلامی و حاکمیت پیامبران، برای همین است؛ إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

برای رسیدن به جامعه مطلوب و آرمانی لازم است موانع و آسیب ها را شناخت و برای رفع آنها راهکارهایی ارائه نمود. بشر امروزه بحرانهایی را در جامعه نظاره گر است و گاه در تحلیل اشتباه خود عوامل آن را در مسائلی جستجو میکند، غافل از اینکه ریشه نابسامانی ها را باید جای دیگری جست و برای آن چاره جویی کرد.

رهبر فرزانه انقلاب علت اصلی مشکلات را غفلت از امور معنوی و ارزشهای اخلاقی میدانند و میفرمایند: امروز علت اصلی بسیاری از مشکلات بشری در نظامهای مختلف، ناشی از غفلت از معنویت و گرایش به سوی مادیگری و مادی پرستی است. بحران اخلاقی معاصر نابودی بشریت را به همراه خواهد داشت و باید اندیشمندان جهان و دلسوزان بشریت برای احیای ارزشهای اخلاقی قیام جدی نمایند.

گاهی افراد تمام سعی و تلاش خود را صرف تحصیل دانش نموده و به اخلاق بی توجه یا کم توجه هستند، غافل از اینکه علم بدون اخلاق آفت جامعه است و زمانی دانش می تواند مفید باشد که در حوزه های گوناگون اعم از فردی و اجتماعی اخلاق حاکم باشد. رهبر انقلاب اسلامی در این زمینه میفرمایند: اگر انسانها از نظر سواد و دانش و سیاست بحرالعلوم هم باشند؛ ولی اخلاق نداشته باشند کوچکترین نفعی برای جامعه نخواهند داشت. تواضع، اخلاص، مهربانی در رابطه با بندگان خدا، صلابت در مقابل دشمنان، فداکاری و اصالت ندادن به مال و جاه و مقام و از جان و فرزندان و آسایش و سلامتی خود، خیلی راحت برای رضا خدا گذشتن، از اساسی ترین جوهرها و بالاترین ارزشی است که برای آن باید خود را به زحمت بیندازیم و تلاش کنیم و در آموزشهای خود و در عمل آن را به کار گیریم.

ایشان در سخنی دیگر به این حقیقت چنین اشاره میکنند: اخلاق اسلامی در همه زمینه ها باید رعایت شود. کوهی از معلومات بدون اخلاق درست، هیچ ارزشی نخواهد داشت. یک انسان متفکر و دانشمند اما خودخواه و بدبین عملاً وجودش فایدهای برای جامعه ندارد.

ایشان تحصیل کمالات معنوی را بیشتر از تحصیل علم برای نسل جوان حائز اهمیت میدانند و میفرمایند: ما ارزشهای اخلاقی و معنوی را برای جوان ضرورتی میدانیم که اهمیت آن بیشتر از علم است و معتقدیم انقلاب ما به خاطر همین ارزشها بوده است.

مقام معظم رهبری نهادینه کردن اخلاق را در قشر تحصیل کرده مهم می‌شمرند و میفرمایند: علم باید با عمل توأم باشد و ما باید در این مسیر قدم برداریم و استعدادها را شکوفا سازیم تا بدین ترتیب کبر و غرور را در قشر تحصیل کرده از بین ببریم و بسیاری از ریشه های بدفکری و بداخلاقی را در جامعه ریشه کن سازیم.

ایشان تکبر را یکی از آفتهایی که سلامت جان و روح را به خطر میاندازد مطرح نموده و برای درمان آن راه حل ارائه میکنند و میفرمایند: در میان خصلتهای نکوهیده که سلامت جان و راحت زندگی را با خطر و مانع مواجه میسازند، تکبر از پرافتخرفترین آنهاست. خودبرتر بینی و سرکشی برخاسته از آن، چه بسیار حقیقتها را ناشناخته و چه راههای فضیلت را ناپیموده میگذارد و چه کینه ها و خصومتها را به حق و چه زشتیها و ناهنجاری ها که پدید می آورد. آری، تکبر، حجاب حقیقت و خار راه فضیلت و دشمن صفا و صداقت و انگیزه دشمنی و شرارت است. آحاد و جامعه های بشری از آغاز عمر خود تاکنون ضایعات بیشماری را از کبر و خودپسندی اقوام و افراد و سرکشها و تعصبات ناشی از آن تحمل کرده اند و میکنند. عبادات اسلامی و بیش از همه نماز،

برای زدودن این آفت از جان آدمیان، از جمله درمانهای مؤثر و کارآمد میباشند. (بانکی پور فرد امیرحسین و قماشچی احمد، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲)

همانطور که در بیانات رهبر انقلاب مشاهده شد ایشان تلویحا به علل و عوامل انحطاط اخلاقی اشاره دارند و به دنبال درمان ریشه ای کاستی های اخلاقی در جامعه هستند.

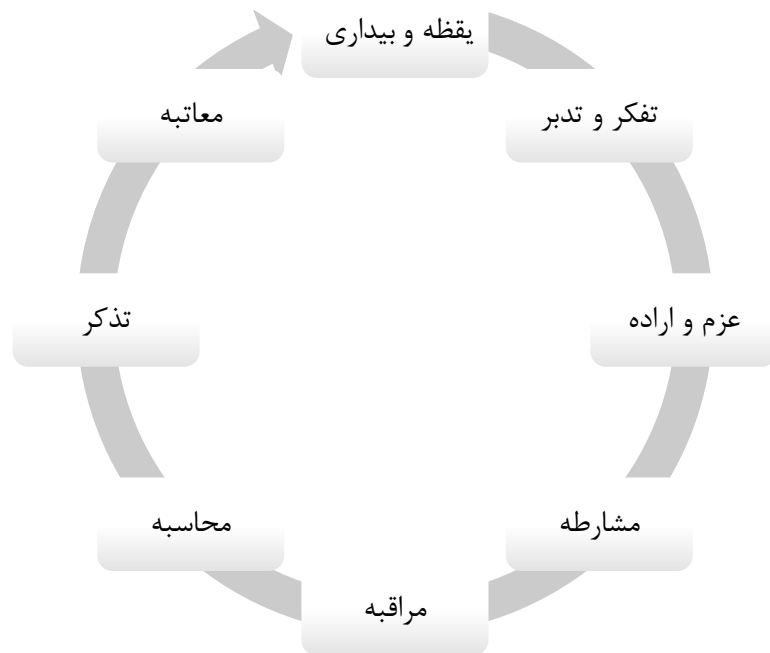
یافته های پژوهش:

مراتب تربیت نفس از منظر امام خمینی (ره):

در کتب مختلف اخلاقی مهم ترین مساله تربیت نفس و به عبارتی دیگر درمان نفس از امراض نفسانی است و در این کتاب ها به طرق مختلف به مساله ی تربیت نفس پرداخته شده است.

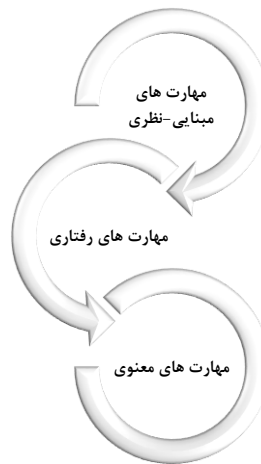
امام خمینی (ره) در شرح چهل حدیث به مراتب و مراحل تربیت نفس و درمان امراض نفسانی اشاره می کنند و در هشت مرحله این امر را مطرح می سازند از جمله:

یقظه و بیداری و بارقه ی اولیه برای شروع خودسازی؛ تفکر و تدبیر پیرامون عالم خلقت و ماهیت دنیا و عالم آخرت و حقیقت معاد؛ عزم و اراده برای اصلاح و رشد انسانی؛ مشارطه و برنامه ریزی هدفمند برای شئون مختلف حیات طیبه؛ مراقبه و دقت در انجام برنامه های پیشبینی شده؛ محاسبه و حسابرسی علی الدوام از نفس برای رفع نواقص و کاستی ها؛ تذکر و یادآوری مستمر و شرکت در جلسات وعظ و ذکر؛ معاتبه و سرزنش نفس به خاطر کوتاهی هایش (امام خمینی، ۱۳۷۱ش، ص ۱۴)



با دقت در موارد ذکر شده توسط علمای اخلاق و عرفان پیرامون مراحل تربیت نفس و درمان امراض نفسانی درمی یابیم که همه ی این موارد را می توان ذیل سه مهارت جای داد:

۱. مهارت های شناختی شامل خودشناسی و خداشناسی و شناخت عالم تکوین و حقیقت مرگ و...
۲. مهارت های رفتاری شامل عمل به دستورات شریعت و همنشینی با صالحان و
۳. مهارت های معنوی شامل انس با دعا و توسل به اهل بیت علیهم السلام و



عوامل محیطی موثر در امراض نفسانی:

در درجه اول پدر و مادر مسئول پرورش صحیح فرزندان خود هستند؛ پرورش صحیح و رضایت بخش در آغوش گرم والدین اتفاق می‌افتد. صفحه دل کودک پاک است و هیچ گونه خاطره زشتی در آن نیست؛ پدران و مادران می‌توانند دل فرزند خود را با اخلاق نیکو بیارایند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَإِنَّمَا أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَنَصْرَانِهِ وَيُمَجَّسَانِهِ»؛ هر نوزادی بر اساس فطرت توحیدی متولد می‌شوند، این پدر و مادر اویند که وی را یهودی، یا مسیحی و یا مجوسی می‌نمایند. خانواده اولین و مهم‌ترین محیطی است که انسان در آن قدم می‌گذارد. کودک در خانه متولد می‌شود و عادات را در آن جا کسب می‌کند تا به مرحله رشد برسد و در این مرحله تحت تأثیر هر امری است که او را احاطه کرده و قابلیت انعطاف او در این مرحله بیش از مراحل دیگر می‌باشد. وقتی تفاوت‌های افراد را در رفتار آن‌ها از قبیل خوردن و آشامیدن، راه رفتن و خوابیدن، لباس پوشیدن و معاشرت آن‌ها با دیگران مورد مطالعه قرار می‌دهیم، می‌فهمیم که خانواده عامل بسیار مهمی در شخصیت جسمی و روحی و اخلاق کودک است. چون در این مرحله کودک از افراد خانواده تقلید می‌کند. (حجتی، ۱۳۸۵، ۱۰۹)

روان‌شناسان امروزه بر این باورند که شخصیت اصلی فرد در همان سنین کودکی شکل می‌گیرد و با همین رویکرد برای درمان بیماری‌های روحی و روانی فرد به کودکی فرد و فضایی که در آن رشد یافته توجه ویژه ای دارند؛ اسلام نیز برای این دوره اهمیت خاصی قائل شده و در نهج البلاغه این طور آمده: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا قَبِلَتْهُ قَلْبُ نَوْجَانِ چنان زمین کاشته نشده آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

گرچه خانواده به طور کلی بسیار مهم است، اما نقش مادر از اهمیتی برخوردار است؛ مادر خود به تنهایی محیط دوران جنینی و شیرخوارگی کودک را تشکیل می‌دهد؛ از سوی دیگر رفتار پدر و مادر در محیط خانه هرچه باشد سرمشقی برای کودکان خواهد بود، زیرا آنان فاقد آن گونه رشد عقلی هستند که بتوانند خوبی و بدی را تمیز دهند؛ از طرفی فرزندان به پدر و مادر خود علاقه دارند و بر این اساس، می‌کوشند رفتارشان را با افعال آن‌ها انطباق دهند. روی همین اصل معلوم می‌شود پرورش اخلاقی کودکان در محیط خانه به طور عملی صورت می‌گیرد. (رشیدپور، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره پرورش اخلاقی کودکان فرموده اند: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ» کودکان خود را بزرگ و گرامی داشته و خوب تربیت نمایید. (پاینده، ۱۳۶۳، ص ۸۵)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در روایتی دیگر در باب اهمیت توجه به فرزند می فرمایند: «إِذَا نَظَرَ الْوَالِدُ إِلَى وَاَلِدِهِ، فَسَرَّهُ كَانَ لِلْوَالِدِ عِتْقٌ نَسَمَهُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ أَنْ نَظَرَ سِتِّينَ وَثَلَاثَ مِئَّةَ نَظْرَةً، قَالَ اللَّهُ الْكَبْرُ» وقتی پدر به فرزند خود بنگرد و او را شاد کند، پدر ثواب آزاد کردن برده ای را دارد، اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا، هرچند هر روز ۳۶۰ بار نگاه کند، حضرت با تکبیر تأیید فرمودند. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۸۲)

محیط های آموزشی و پرورشی (مدرسه)

یکی از عوامل مهم و موثر در امراض نفسانی محیط ها و فضاهایی است که انسان در آن نشو و نما می یابد؛ به خصوص در سنین کودکی و نوجوانی که افراد آمادگی زیادی در پذیرش خلیات محیط آموزشی دارند. گرچه مدرسه هم از عواملی است که می توان ذیل عامل جامعه از آن سخن گفت اما نقش مهم این عامل به حدی است که شایسته است جداگانه تبیین گردد. مدرسه عامل بسیار مؤثر اجتماعی است؛ در این محیط، کودک با کودکان همسال یا بزرگتر از خود و همچنین با معلمی که مربی اوست، سروکار دارد. از آن جا که کودک در این سن نمی تواند امور را بسنجد و هدف تعیین کند، لذا بسیاری از اعمال خود را از دیگران و معلم خود تقلید می کند. چون معلم در نظر کودک عظیم ترین شخصیت می باشد. (حجتی، ۱۳۸۵، ج ۱، ۲۴۲)

تأثیر معلم در تربیت فرد بسیار زیاد است و چون علم غذای روح است و غذای پاک از معلم پاک، روح را پاک نگاه می دارد. امام کاظم (علیه السلام) فرموده اند: «لَا عِلْمَ إِلَّا مِنْ عَالِمٍ رَبَّانِيٍّ وَ مَعْرِفَةَ الْعِلْمِ بِالْعَقْلِ» علم جز از دانشمندان الهی به دست نیاید و شناختن علم به وسیله عقل است. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۰) از طرفی در تعالیم دینی ما آمده است که اگر عالمی از علم خود سود جست، آموزش او برای دیگران سودمند خواهد بود؛ بنابراین تربیت معلمین دارای نفسی سلامت قدم اساسی برای ایجاد جامعه ای متصف به اخلاق متعالی است. سخن امام علی (علیه السلام) در این رابطه صراحت دارد که معلم باید قبل از اینکه دیگران را آموزش دهد یا تأدیب کند، به آموزش و تأدیب خود بپردازد.

عنصر اساسی دیگر که در مدرسه متبلور می شود خود علم است؛ همانطور که بدن انسان غذا لازم دارد، جان او نیز باید تغذیه شود. همانطوری که رشد متعادل طبیعی در اثر تغذیه سالم است، رشد کامل جان و روح نیز از راه تغذیه صحیح تربیتی و ادراکی تأمین می شود. آدمی هم باید در غذای نباتی خود دقت داشته باشد و هم

غذای روحی خود. از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه «فلینظر الانسان الى طعامه» (سوره عبس؛ آیه ۲۴) آمده است که فرموده اند: منظور از طعام، علمی است که آن را می آموزد. امام حسن (علیه السلام) می فرماید تعجب می کنم از کسانی که در غذای جسم خود فکر می کنند، ولی در امور معنوی و غذای جان خویش تعقل نمی نمایند؛ شکم را از طعام مضر حفظ می کنند ولی باک ندارند که افکار پلیدی در روان آنها وارد شود.

عنصر حیاتی دیگر که اثری تعیین کننده در تربیت و ایجاد امراض نفسانی و یا فضایل اخلاقی در انسان دارد مسأله ی دوست یابی است که شکل اولیه ی آن در مدرسه پدید می آید. اهمیت انتخاب دوست به اندازه ای است که سفارش شده است که آدمی قبل از سفر دوست صالح انتخاب کند و قبل از خریدن خانه همسایه صالح برگزیند. اثر دوست بد به اندازه ای است که خداوند به حضرت موسی هشدار می دهد که دوستان بد تو را از راه بدر نبرند تا نابود شوی. دوست خوب کسی است که دیدار او آدمی را به یاد خدا بیندازد، گفتار او به دانش آدمی بیفزاید. کردار او آدمی را به کار خیر تشویق کند. یکی از محیط‌هایی که در مورد تربیت بسیار مورد اهمیّت است، محیط رفاقت و معاشرت است که می‌تواند در مدرسه و یا بیرون از آن شکل بگیرد. این محیط عبارت از جماعت دوستانی هستند که با انسان در اهداف مشترک و غیرمشترک شرکت می‌کنند و فرد خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر اعمال و افکار آن هاست و او نیز به نوبه خود در آنها تأثیر می‌گذارد. قرآن کریم به نتایج بد رفاقت و معاشرت اشاره کرده و می فرماید: «وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ ... يَوَيْلَئِي كَيْتَنِي لِمَ أَتَّخِذُ فُلَانًا خَلِيلًا» (سوره فرقان؛ آیه ۲۹) و روزی که ستمکار دستان خود را به دندان می‌گزد و می‌گوید... ای وای بر من کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم.

جامعه

بخش مهمی از تربیت هر فرد، نتیجه تجربه‌هایی است که در شکل‌گیری آنها جامعه سهم عمده ای دارد؛ جامعه و فرد هر دو در یکدیگر تأثیر دارند. هم فرد می‌تواند جامعه را بسازد و متحول نماید و هم جامعه در سیستم فکری افراد اثر تعیین کننده دارد. دوستان هر فرد یکی از عوامل جامعه است که هویت هر فرد و شخصیت او بستگی زیادی به دوستانش دارد؛ امام علی (علیه السلام) فرمود: «إِنَّمَا سُمِّي الرَّفِيقَ رَفِيقًا لِأَنَّهُ يَرْفُقُكَ عَلَى صَلَاحِ دِينِكَ فَمَنْ أَعَانَكَ عَلَى صَلَاحِ دِينِكَ فَهُوَ الرَّفِيقُ» رفیق را رفیق نامیدند به این علت که تو را بر صلاح و

رستگاری و دینداری کمک می‌کند. پس کسی که تو را در اصلاح شدن و دینداری کمک نماید، رفیق واقعی توست. (ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۴، ۱۵۸)

رهبران جامعه، رهبران دینی ای که امر و نهیشان در دیگران مؤثر است و دیگر افراد موثر، مانند اجتماع هنرمندان، سلبریتی‌ها و ... ولو به طور غیر عمدی در ساختن و پرداختن شخصیت افراد جامعه و تربیت افراد دخالت دارند. (قائمی، ۱۳۷۸ش، ۱۱۷)

یکی دیگر از عوامل محیطی اثرگذار اجتماع در تربیت و ایجاد امراض نفسانی و یا فضایل انسانی؛ محل زندگی انسان است. انسان در انتخاب محیط زندگی آزاد است و می‌تواند هرجایی که باعث شکوفایی استعداد و رشد علمی و اخلاقی و دینی و اجتماعی او است انتخاب نماید. و اگر در محیطی زندگی می‌کند که مردم آن منطقه تأثیر منفی نسبت به دین و اخلاق او دارند، باید محیط زندگی خود را عوض کند. در غیر این صورت مورد توبیخ الهی قرار می‌گیرد و به خاطر اینکه از آزادی و اختیار خود برای حفظ ایمان خود استفاده نکرده است نکوهش می‌شود. (امام خمینی(ره)، ۱۳۷۱ش، ص ۲۷۲) در قیامت از عده ای که خود را مستضعف می‌نامند سؤال می‌شود که آیا زمین خدا واسع نبود تا به دار ایمان هجرت کنید؟! «قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا» (سوره نساء؛ آیه ۹۷)

رسانه

رسانه‌های گروهی هم می‌توانند عامل مهمی در تکوین تربیت فرد باشند، مخصوصاً اینکه می‌توانند به افکار و حتی امیال افراد جهت بدهند و آن را در راستای اهداف خود قرار دهند.

گاهی اهداف رسانه؛ اهدافی تبلیغاتی است و جنبه‌ی بازاریابی و اقتصادی دارد؛ اما بیشتر اوقات پشت پرده‌ی رسانه‌ها جهت دهی به باورها و فرهنگ یک جامعه و در نهایت امیال و خواسته‌های آن جامعه است چراکه وقتی باورها و افکار یک جامعه به سمت و سویی خاص برود امیال آن جامعه هم به تبع آن باورها به همان سو خواهد رفت.

برای مثال وقتی رسانه در جامعه‌ای مصرف‌گرایی و تنوع‌طلبی و مدگرایی را رواج داد رفته رفته برای افراد آن جامعه خواسته‌ها و امیالی پدید می‌آید که در راستای همان مصرف‌گرایی است.

امروزه تأثیر رسانه تا حدی است که به باور بسیاری از اندیشمندان حتی میتواند عوامل وراثتی و درون فردی را هم تحت الشعاع قرار دهد و فطرت ثانیه و دومی برای فرد ایجاد کند که با فطرت اولیه و ذاتی فرد متغایر باشد.

عوامل وراثتی موثر در امراض نفسانی:

صلب پدران و رحم مادران

صلب پدران و رحم مادران و روحیات آنان از قبیل شادی و غم و غذایی که می خورند در خلقت و اخلاق فرزندان خود دخالت جدی دارند. نطفه هایی که آماده پذیرش صورت های انسان می گردد دست پرورده غذاهایی است که والدین می خورند یا می نوشند خواه این غذاها مادی باشند یا معنوی. و چون غذاها از نظر لطافت و کدورت با هم متفاوت اند ناگزیر نطفه های حاصل از آن غذاها متفاوت خواهند بود در نتیجه جسم اطفال و اخلاق آنان متفاوت می گردد.

به طور مسلم صفات ظاهری مثل رنگ پوست، رنگ چشم و... و صفات باطنی مانند شجاعت، ترس عصبانیت و... پدران و مادران در فرزندان منتقل می شود. از پدر و مادر شجاع فرزندان با فضیلت و از خاندان بخیل بچه های پست و فرومایه متولد می شود. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» خوش بخت، کسی است که در رَحِمِ مادرش خوش بخت شده است و بدبخت، کسی است که در رَحِمِ مادرش بدبخت شده است. (البته این روایت به این معنا نیست که انسان اختیاری از خود ندارد؛ بلکه در صدد تبیین اهمیت رحم مادر و تأثیر زیاد آن روی شخصیت فرد است) (ری شهری، ۱۳۸۴ش، ج ۹، ص ۵۸)

سخن امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا به لشکریان عمرسعد ناظر بر این مطلب است؛ آنجا که می فرماید آگاه باشید که این فرومایه فرزند فرومایه مرا در بین دو راهی شمشیر و ذلت قرار داده است. و هیئات که ما زیر بار ذلت برویم زیرا خدا و پیامبرش و مؤمنان از اینکه ما ذلت را بپذیریم ابا دارد و دامن های پاک مادران و مغزهای باغیرت و نفوس با شرافت پدران روا نمی دارند که اطاعت افراد لثیم را بر قتلگاه کرام مقدم بداریم. سفارش امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر از بکارگیری افرادی که از خاندان پاک هستند و تأثیر صلب پدران و رحم مادران در فرزندان مؤید این مطلب است.

آداب ازدواج

از نظر عرفایی همچون امام خمینی(ره) نوع همسر و زمان آمیزش در کیفیت خلقت و اخلاق فرد بسیار مؤثر است. از چیزهایی که سزاوار است انسان به آن اهمیت بدهد این است که در صفات کسی که می خواهد با او ازدواج کند نظر بیاندازد... و از مولای ما امام صادق(علیه السلام) روایت شده است که فرمود: بین نفست را کجا قرار می دهی و چه کسی را در مالت شرکت می دهی و چه کسی را بر دینت و سرت مطلع می نمایی؟ پس اگر ناچاری ازدواج نمایی با کسی ازدواج کن که به خیر و حسن خلق انتساب دارد... (امام خمینی، ۱۳۸۵ش، ب طهارت؛ م ۱-۲)

البته همانطوری که برای مرد سزاوار است که دقت کند، چه کسی را برای ازدواج اختیار می کند همچنین برای زن و اولیای او هم سزاوار است که نسبت به مرد دقت نماید. از امام رضا(علیه السلام) روایت شده است که ازدواج ملک قرار دادن است؛ اگر یکی از شما دخترش را نکاح داد قطعاً او را ملک قرار داده است پس باید بنگرد که کریمه اش را برای چه کسی ملک می نماید... بنابراین سزاوار است که در انتخاب زن تنها به جمال و مال او نگاه نشود... بلکه اختیار کند زنی را که دارای صفات شریفه و شایسته باشد. یکی از مسائل اساسی در ازدواج؛ آداب آمیزش است؛ مواردی از قبیل اقامه نماز و با طهارت بودن، ذکر خدا گفتن، دعا کردن، مخصوصاً اینکه انسان از خداوند بخواهد که به او فرزندی با تقوا و مبارک و پاک و سالم روزی نماید. (امام خمینی(ره)، ۱۳۹۲ش، ص ۱۰۸)

شیر مادر

نوع شیر مادر در روحيات و جسم کودک مؤثر است شیری که از غذای حلال بدست می آید، با شیری که از غذای غیرحلال حاصل شده است متفاوت است. شیری که در حال نشاط به کودک می دهد با شیری که در حال پریشانی خورده می شود مختلف است. حضرت امام علی(علیه السلام) در نحوه انتخاب رضاع می فرماید: دقت کنید که چه کسی فرزند شما را شیر می دهد زیرا فرزند شبیه کسی می شود که به او شیر می دهد. از دیدگاه امام علی(علیه السلام) شیر تأثیر زیادی در تکون خلقت و روحيات فرزندان دارد. قطعاً شیری که از فرد کودنی خورده می شود تأثیر خود را می گذارد، و شیری که از زن شجاع و با فضیلتی نوشیده می شود اثر مطلوبی در فرد خواهد داشت. (همان) امام علی (علیه السلام): «لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ اللَّبْنَ يَغْلِبُ الطَّبَاعَ» اشخاص کم خرد را برای شیر دادن به فرزندان انتخاب نکنید، که شیر بر طبیعت انسان می تواند غالب شود. (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۱۸۸)

عوامل جسمانی موثر در امراض نفسانی:

تغذیه مناسب

آنچه در اسلام به عنوان محرّمات و مکروهات آمده است و آنچه از خوردنی ها و نوشیدنی ها در بیان معصومین (علیهم السلام) ترغیب یا منع شده است بخاطر این است که ترغیبات باعث صفای نفس و آماده پذیرش فیض الهی است و منهیات باعث کدورت نفس و مانع پذیرش فیض الهی می گردد. تهیه غذا از راه حلال یا نامشروع نیز در تربیت فرزند اثر می گذارد، امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «كَسْبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِيَّةِ» کسب حرام در ذریه آشکار می شود (آنان را به تباهی می کشاند). (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۸۲)

هرچه غذای انسان لطیف تر و طاهرتر باشد طینت آدمی پاکتر است و آمادگی فیض گیری بیشتر خواهد بود. از طرف دیگر هرچه مواد ناپاکتر باشد طینت آدمی را شیطنت آمیز می گرداند. و همانطوری که مواد غذایی در لطافت و کثافت روح مؤثر است در شدت و ضعف استعدادها نیز مؤثر است ممکن است نطفه ای از غذایی حاصل شود که به مقتضای حرکت جوهری اش در قابلیت قویتر از دیگری باشد. بنابراین مواد تغذیه با توجه به نوعیت و حلیت و پاکی آن در قبول فیض با هم متفاوت اند مضافاً بر اینکه اختلاف انواع و اوصاف مواد خوردنی و نوشیدنی در تکون جسم و روح مؤثر است. از سوی دیگر نداشتن برنامه درست غذایی ممکن است باعث بروز صفات ناپسند در انسان گردد؛ مثلاً شخصی که طبعی گرم دارد شایسته است که از خوردن غذاهای با طبیعت گرم اجتناب کند تا صفات خشم و غضب در او غلبه پیدا نکند و نیز شخصی که دارای طبیعت سرد است شایسته است از خوردن غذاهای با طبع سرد پرهیزد تا صفات رذیله ی کسالت و یا ترس در او غالب نشود.

سبک زندگی صحیح

همانطور که در مورد قبل اشاره شد داشتن برنامه برای زندگی سهم بسزایی در درمان امراض نفسانی دارد و این برنامه فقط به غذا خلاصه نمی شود و موارد متعددی را می تواند در بر بگیرد.

برای مثال شخصی که فضای کاری اش او را به جایی رسانده که مشکل اعصاب پیدا کرده و این مشکل منجر به پدیدار شدن رذایل اخلاقی کم حوصلگی و عصبانیت و.... شده است میتواند با یک برنامه ریزی صحیح یا فضای کاری خود را عوض کند و یا اینکه در همان فضا شرایطی را ایجاد کند که مشکلات ک

متری برایش پیش آید.

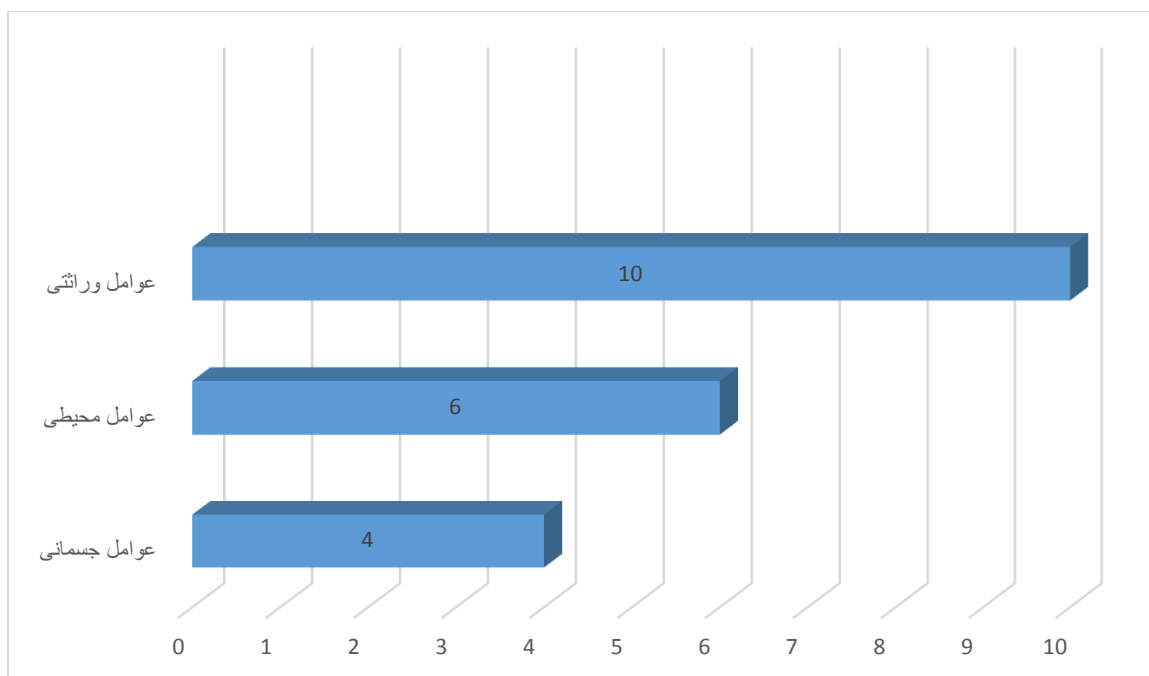
یا شخصی که در آب و هوایی زندگی می کند که بسته به طبعش منجر به بروز صفات رذیله ای در نفس او شده است می تواند محل زندگی خود را جایی قرار دهد که این مشکل برایش کمتر باشد.

عوامل موثر تربیتی از منظر امام خمینی (ره):

<ul style="list-style-type: none">• خانواده• محیط های آموزشی• جامعه• رسانه	عوامل محیطی
<ul style="list-style-type: none">• صلب پدر و رحم مادر• آداب ازدواج• شیر مادر	عوامل وراثتی
<ul style="list-style-type: none">• تغذیه مناسب• سبک زندگی صحیح	عوامل جسمانی

همانطور که مشاهده گردید در اندیشه های امام خمینی(ره) سه عامل در ایجاد تربیت صحیح و یا تربیت ناصحیح وجود دارد که به تفکیک موردهای هر یک بیان شد؛ حال میخواهیم میزان تاثیر هر یک از این عوامل در تربیت را مطرح کنیم؛ با بررسی های صورت گرفته نمودار پیش رو که میزان تاثیر تقریبی هر یک از عوامل را نشان می دهد به دست آمد.

میزان تاثیر عوامل تربیتی در شکل گیری خلیات فردی:



همانطور که مشخص شد میزان تاثیر عوامل وراثتی به مراتب بیشتر از عوامل دیگر است و پس از آن عوامل محیطی بیشترین تاثیر را در تربیت صحیح و یا ناصحیح دارد.

نتیجه گیری

بیانیه گام دوم انقلاب با محوریت معنویت، از معدود بیانیه های انقلابی و سیاسی در جهان است. این بیانیه در چهل سالگی انقلاب خطاب به جوانان صادر شده است. در واقع این بیانیه دورنمایی از هویت انقلاب اسلامی را همراه با چشم انداز و افق های پیش رو را ترسیم می کند. خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی جهت دهی های این بیانیه است که باید در این رابطه عموماً توسط جوانان ایده پردازی صورت گیرد؛ از طرفی بر اساس اندیشه امامین انقلاب اسلامی تحقق دولت اسلامی شرط لازم رسیدن به تمدن اسلامی است و روشن است که رکن اصلی حکومت اسلامی؛ متعاطیان حکمرانی و مدیران حکومت هستند به این معنا که تا شرایط برای تربیت حکمرانان و مدیران در جامعه ی اسلامی مهیا نشود حکومت اسلامی ایجاد نخواهد شد؛ بر این اساس پیشنهاد می شود که صندوق توسعه ی ملی با سرمایه گذاری در مراکزی که به تربیت حکمرانان آینده جمهوری اسلامی می پردازند و نگاه سرمایه ای به نیروی انسانی موجود در جامعه به تقویت این مراکز بپردازد تا افرادی که در آینده قرار است نقش متعاطی حکمرانی اسلامی را ایفاء کنند افرادی شایسته برای اداره جامعه باشند چراکه در طول تاریخ ثابت شده است که اگر برای تربیت مدیران آینده ی جامعه سرمایه گذاری نشود

بزرگترین حکومت ها و ثروتمندترین آن ها در چنگال غاصبانی می افتد که تمام ثروت آن جامعه را به تاراج می برند؛ لازم به ذکر است که با تحقیق صورت گرفته پیرامون این موضوع روشن شد که برای تربیت جامعه ای اسلامی لازم است نهادهای انقلابی تمرکز ویژه ای برای دستیابی به این مهم داشته باشند چراکه شرط لازم برای تحقق تمدن اسلامی ایجاد جامعه ای متخلق به اخلاق الهی است و چنانکه جوامع غربی هم به اهمیت این موضوع پی برده اند و از همان سنین کودکی و نوجوانی فرایند تربیتی فرد را به گونه ای چیدمان میکنند که مطابق با ایدئولوژی کلان سیاستمداران رشد یابند و در مسیر تحقق اهداف آنان گام بردارند، پس روا نیست که جامعه ما که دارای سرمایه ی غنی از معارف عمیق اسلامی برای تربیت آحاد جامعه هست از این مهم غفلت ورزد؛ همچنین پیشنهاد می شود که نهادهای حاکمیتی انقلاب که بخش وسیعی از آحاد جامعه را تشکیل می دهند؛ این اصول اخلاقی مطرح شده را مد نظر قرار داده و برای پیشبرد و بومی سازی وابسته به هر نهاد خاص؛ برنامه ریزی متناسب نمایند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، سیدرضی، ترجمه دشتی، ۱۳۷۹، قم، مشهور

ابن منظور، ۱۴۱۶ق، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی

ابن طاووس علی بن موسی، ۱۳۷۶، محاسبه النفس، تهران، انتشارات مرتضوی

ابن ابی فراس، ۱۴۳۶، تنبیه الخواطر، انتشارات العتبه الحسینیة المقدسه

امام خمینی، ۱۳۷۱، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

امام خمینی، ۱۳۸۵، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

بانکی پور فرد امیرحسین و قماشچی احمد، ۱۳۸۰، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، تربیت اسلامی

پاینده ابوالقاسم، ۱۳۶۲، نهج الفصاحه، تهران، انتشارات جاویدان

تمیمی آمدی عبد الواحد بن محمد، ۱۴۱۰، غرر الحکم، بیروت، دار الکتب الاسلامی

- حرامعلی محمد بن حسن، ۱۴۲۴، وسائل الشیعه، قم، ناشر موسسه نشر اسلامی
- حکیمی محمدرضا، ۱۳۹۵، الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران، نشر دلیل ما
- حجتی محمدباقر، ۱۳۸۵، اسلام و تعلیم و تربیت، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- حرانی ابن شعبه، ۱۴۰۴، تحف العقول، قم، موسسه نشر اسلامی
- رشیدپور مجید، ۱۳۹۰، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان
- ری شهری محمد، ۱۳۸۶، میزان الحکمه، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر
- طیب سید عبدالحسین، ۱۳۷۰، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، کتابفروشی اسلام
- فیض کاشانی محمد، ۱۳۷۳، تفسیر صافی، تهران، انتشارات مکتبه الصدر
- قائم علی، ۱۳۷۸، زمینة تربیت، تهران، انتشارات امیری
- قمی علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴، تفسیر قمی، قم، انتشارات دارالکتاب
- کلینی محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، اصول کافی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه
- مطهری مرتضی، ۱۳۷۴، آشنایی با علوم اسلامی، تهران، نشر صدرا
- مصباح یزدی محمدتقی، ۱۳۹۴، فلسفه اخلاق، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- مجلسی محمدباقر، ۱۴۰۴، بحار الانوار، بیروت، دارالکتب الاسلامیه
- مصباح یزدی محمدتقی، ۱۳۹۵، جهانشناسی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۷۷، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)
- مصباح یزدی محمدتقی، ۱۳۹۱، راهیان کوی دوست، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- نراقی محمد مهدی، ۱۳۹۴، جامع السعادات، قم، انتشارات قائم آل علی (علیهم السلام)
- نراقی احمد، ۱۳۷۸، معراج السعاده، قم، انتشارات هجرت

نوری محمد، فلاح محمدرضا، ۱۳۸۷، مبانی و غایات اخلاق اسلامی؛ پگاه حوزه، شماره ۲۳۹